

# چند نکته پیرامون مقاله‌ی

## (درنگی بر داستان رستم و اسفندیار)

رشد زبان و ادب فارسی، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۶

نویسنده: مهدی احمدی

اصفهان - دبیر دبیرستان‌های بومیان میان دشت

هاماوران را رستم کشته است. مگر آن‌که به تسامح شاه هاماوران را اشاره به همان سودابه بدانیم!  
(۴ بیت:  
همه شهر ایران بدو زنده‌اند  
اگر شهریارند و اگر بنده‌اند

(ص ۳۰)

مصراع دوم در «شاهنامه‌ی چاپ ژول مول» (ص ۱۲۴۴ بیت ۲۶۱۱) و در کتاب «نبرد اندیشه‌ها در...» (صفحه ۲۷ بیت ۱۹۹) به این صورت آمده «اگر شهریارند اگر بنده‌اند» و نیابردن (و) خواندن بیت را آیین‌تیر کرده است!

### منابع و مأخذ

۱. بیدمشکی، مریم؛ درنگی بر داستان رستم و اسفندیار؛ رشد زبان و ادب فارسی؛ دوره‌ی ۲۱؛ شماره‌ی ۲؛ زمستان ۱۳۸۶؛ صفحه‌ی ۲۸
۲. جوینی، عزیزالله؛ نبرد اندیشه‌ها در حماسه رستم و اسفندیار (براساس نسخه‌ی دست‌نویس لنین‌گرا)؛ ج اول؛ دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۴
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران
۴. رامپوری، شرف‌الدین، غیاث‌اللغات، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳
۵. شعار، جعفر؛ رزم‌نامه رستم و اسفندیار؛ حسن انوری؛ ج ۲۳؛ نشر قطره؛ ۱۳۸۰
۶. فردوسی؛ شاهنامه؛ تصحیح ژول مول؛ ج ۶؛ علمی و فرهنگی؛ ۱۳۷۴
۷. ماسه، هانری؛ فردوسی و حماسه ملی؛ مهدی روشن ضمیر؛ ج ۲؛ دانشگاه تبریز؛ ۱۳۷۵

شاه هاماوران یا ماه هاماوران؟

در کتاب «نبرد اندیشه‌ها در حماسه‌ی رستم و اسفندیار» این بیت در حاشیه‌ی صفحه‌ی ۲۲ آمده و به نقل از چاپ مسکو «ماه هاماوران» نوشته شده است.

در «رزم‌نامه‌ی رستم و اسفندیار» بیت ۱۵۸ نیز «ماه هاماوران» آمده و در توضیحات این بیت در صفحه‌ی ۷۷ به داستان کشته شدن سودابه به دست رستم، بعد از کشته شدن سیاوش، اشاره شده است.

در «شاهنامه‌ی چاپ ژول مول» صفحه‌ی ۲۵۶۳ بیت «شاه هاماوران» آمده است.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل کلمه‌ی «هامور» آمده است. از عربی حمیر، نام قبیله‌ای ساکن یمن. در ادامه نیز، داستان چگونگی عاشق شدن سودابه به کاوس نقل شده است. هم‌چنین، به نقل از «انجمن آرا» چنین آمده است: هاماوران مخفف هامون و ران یعنی صاحبان دشت و صحرا.  
در غیاث‌اللغات نیز، مضمونی شبیه لغت‌نامه ذکر شده است.

در کتاب «فردوسی و حماسه ملی ایران» صفحه‌ی ۱۳۰ هم به این اشاره شده که هاماوران همان پدر سودابه است. در هیچ یک از این منابع، ذکر نشده که شاه

(۱) در وجه تسمیه‌ی رستم شاید بهتر بود نویسنده‌ی محترم به سخن مادر رستم نیز اشاره‌ای می‌کرد. بعد از تولد رستم، وقتی مادر فرزند را می‌بیند: بخندید از آن بچه سرو سهی بدید اندر و فر شاهنشهی بگفتا برستم، غم آمد به سر نهادند رستمش نام پسر

(ژول مول، ج اول، ص ۱۷۷، ابیات ۱۷۰۵ و ۱۷۰۶)

(۲) در بیت:

بدرد جگر گاه دیو سپید  
ز شمشیر او گم کند راه شیر

(ص ۳۰)

قافیه ایراد دارد. غلط چاپی است و درست آن (شید=خورشید) است. (نبرد اندیشه‌ها در حماسه‌ی رستم و اسفندیار، ص ۲۲ب ۱۵۱؛ رزم‌نامه‌ی ص ۷۴ب ۱۵۷)

(۳) بیت:

همان شاه هاماوران را بکشت  
نیارست گفتن کس او را درشت

(ص ۳۰)